

# وقتی تخته سیاه روسفید می‌شود

گفت‌وگو با مریم پروانه، خانم معلمی که نقاشی‌های زیبایش روی تخته کلاس حسابه‌ی مورد توجه قرار گرفته؛ آثاری که زمان زیادی صرف آن‌ها می‌شود تا باعث ایجاد حس خوب در دانش‌آموزان شود و بچه‌ها هم از پاک کردنشان ناراحت می‌شوند

ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

چهارشنبه ۱۵ اسفند ۱۴۰۳  
۲۰۲۵ مارس ۵ ۱۴۴۶  
شماره ۲۱۷۲۳

۲۹۴۲



## تخته تدریس مجزا است

در نگاه اول شاید فکر کنید خانم پروانه هر روز نقاشی‌ها را پاک می‌کنند؛ تخته برای تدریس خالی باشد، اما ماجرا چیز دیگری است: «راجع به این که نقاشی‌ها را پاک می‌کنم چون یک تخته سیاه است تو ی پیچم، همه شاکی شده بودند که خانم چرا پاک می‌کنید؟ فلسفه تخته سیاه و تخته پاک کن این است که یک چیزی حالایک نوشته یا تصویری کشیده شده بالاخره باید پاک شود و من هم پاک می‌کنم تا نقاشی جدید جایش را بگیرد؛ اما برای تدریس تخته وایت برد داریم.»

## سعی کردم کلاس مثل خانه

### بچه‌ها باشد

دوست دارم بدانم نتیجه این تلاش در ایجاد ارتباط بهتر دانش‌آموزان چطور بوده که خانم پروانه می‌گوید: «مادر کلاس باهم دوست هستیم یعنی واقعا فیکیم. این طوری نیست که یک رابطه معلم و شاگردی باشد که مثلا من بروم روی یک صندلی بشینم و دستور بدهم که بنویسید، بخوانید و حفظ کنید. چنین چیزی نیست، کلاس ما کلا توسط دانش‌آموزان اداره می‌شود و من نقش ناظر را دارم. بچه‌ها خودشان اداره می‌کنند حتی گاهی تدریس انجام می‌دهند. دیوار کلاس هم همه رنگی است و شاد، نه این که فقط تخته سیاه نقاشی باشد؛ من میز کلاس را هم رنگی کردم و سعی کردم از هر چیزی که کلاس را زیبا بکند حتی گلدان‌های مختلف با مقوا، کارهای مختلف خطاطی حالا از استادان مختلف استفاده کنم. کلاس را مثل یک خانه برای بچه‌ها درست کردم که دانش‌آموز که وارد کلاس می‌شود؛ احساس دهه شصتی را پیدا نکند و فکر کند که در خانه خودش است و حالا با دوستش، یکی از اعضای خانواده‌اش و حتی مادر خودش در یک فضا قرار دارد و توافقتش این هست که این جا آموزش هم می‌بیند.»



## پستم ۵ میلیون باز دید داشت

از خانم پروانه درباره صفحه‌اش در اینستاگرام و باز خورد دهاش می‌پرسم؛ می‌گوید: «باز خورد این پیچم که خدا را شکر خیلی خوب بوده است. البته این پیچ برای ۵ سال پیش است که من از زمان کرونا تقریبا شروع کردم تولید محتوای آموزشی انجام می‌دادم، ولی آن زمان باز خورد خوبی نداشت. یک دوره آموزش شربت کردم که طی آن استاد حافظی پیشنهاد داد که خانم از نقاشی هاتان استفاده کنید. نقاشی را گذاشتم دیدم چقدر مردم نقاشی و این کار تلفیق هنر و تدریس توسط یک معلم هنرمند را دوست دارند. حتی یک ویدئو که مربوط به لحظه پاک کردن نقاشی ام بود بیش از ۵ میلیون بازدید داشت و نظرات زیادی هم دریافت کرد؛ البته من معلمم و شاید با این وضعیت جامعه بعدها به درآمدزایی پیچم فکر کنم، ولی در حال حاضر که نه، در پایان مسئله‌ای که دوست دارم عنوان شود این است که همان طور که گفتیم پدرم فرهنگی بودند، اهل ذوق و هنر و گاهی شعر می‌گفتند؛ ایشان اصلی‌ترین مشوق من بودند.»



## محیط با نشاطی برای دانش‌آموزان ساختم



نقاشی‌های این خانم معلم هنرمند در مدرسه شهرت زیادی دارد، ماجرا را از زبان خود ایشان بشنویم: «الان نقاشی‌هایی که می‌کشم، دانش‌آموزان سال قبلم که در همان مدرسه پایه سومی شدند رنگ‌های تفریح یا رنگ‌های آخر دم در کلاس من هستند و می‌گویند خانم چرا پار سال این نقاشی را برای ما نکشیدی؟ یا مثلا خانم قبول نیست این نقاشی قشنگ‌تر از نقاشی سال قبله. خدا را شکر این طوری بوده هر سال هم رضایت اولیا را داشتیم؛ هم شاهد پیشرفت چشمگیر دانش‌آموزان بودم. به خصوص دانش‌آموزان درگیر اختلال یادگیری و دیرآموز که استرس بالایی داشتند. نمی‌دانم حالا این نقاشی واقعا تاثیر دار دیانه ولی واقعا حالشان را خوب می‌کند. محیطی که نصف روز آن جا به سر می‌برید و زندگی می‌کنید این تابو مثلا هر هفته یک بار عوض می‌شود و یک نقاشی پر است از رنگ و تصویرهایی که بچه‌ها دوست دارند و این که تلفیق با درس را انجام می‌دهم. به خصوص برای درس فارسی و درس علوم سعی می‌کنم تلفیق کنم.»

## محیط با نشاطی برای دانش‌آموزان ساختم

نقاشی‌های این خانم معلم هنرمند در مدرسه شهرت زیادی دارد، ماجرا را از زبان خود ایشان بشنویم: «الان نقاشی‌هایی که می‌کشم، دانش‌آموزان سال قبلم که در همان مدرسه پایه سومی شدند رنگ‌های تفریح یا رنگ‌های آخر دم در کلاس من هستند و می‌گویند خانم چرا پار سال این نقاشی را برای ما نکشیدی؟ یا مثلا خانم قبول نیست این نقاشی قشنگ‌تر از نقاشی سال قبله. خدا را شکر این طوری بوده هر سال هم رضایت اولیا را داشتیم؛ هم شاهد پیشرفت چشمگیر دانش‌آموزان بودم. به خصوص دانش‌آموزان درگیر اختلال یادگیری و دیرآموز که استرس بالایی داشتند. نمی‌دانم حالا این نقاشی واقعا تاثیر دار دیانه ولی واقعا حالشان را خوب می‌کند. محیطی که نصف روز آن جا به سر می‌برید و زندگی می‌کنید این تابو مثلا هر هفته یک بار عوض می‌شود و یک نقاشی پر است از رنگ و تصویرهایی که بچه‌ها دوست دارند و این که تلفیق با درس را انجام می‌دهم. به خصوص برای درس فارسی و درس علوم سعی می‌کنم تلفیق کنم.»

## یکی از اولیا فکر کرد عکس روی تخته است!

نقشه کنجکاو کننده ماجرا این است که خانم پروانه چه زمانی نقاشی‌ها را می‌کشد، ایشان می‌گوید: «زنگ‌های تفریح، هنر و ورزش قبل کلاس و یا بعد کلاس هر زمانی که اضافه بیاورم شروع می‌کنم به تکمیل کردن نقاشی. بچه‌ها هم زمانی که هستند نقاشی می‌کنند و زمانی هم که نیستند خودم تنهایی نقاشی می‌کنم جالب است دانش‌آموزانی هستند که هر روز می‌آیند و به کلاس من برای دیدن نقاشی‌ها سر می‌زنند که حتی سال‌های قبل دانش‌آموز من نبودند. البته نمی‌خواهم از خودم تعریف

## با کیف کردن بچه‌ها انگیزه‌ام بیشتر می‌شود

باید بگویم همان طور که توضیح دادم بسیاری از اوقات تلفیق با بعضی درس‌هاست و مناسبتی است. ولی من خودم واقعا تعریف دیگری جز عشق برای این کار نمی‌بینم چون من دیسک خفیفی هم دارم و گاه این کمر درد اذیت می‌کند. ولی واقعا وقتی می‌بینم بچه‌ها لذت می‌برند و کیف می‌کنند انگیزه‌ام دوچندان می‌شود.»



سید مصطفی صابری | روزنامه نگار

### پرونده

از قدیم شنیدیم که می‌گویند «درس معلم از بود ز مژه مه محبتی/ جمعه به مکتب آورد طفل گریز پای را» و واقعا هم همین طور است، دانش‌آموز که مدرسه رفتن را دوست داشته باشد، با معلم ارتباط خوبی برقرار کند و سر کلاس نشستن را فرایندی سخت نداند با علاقه در سش را می‌خواند تا معلمی را که دوست دارد خوشحال کند. حالا این زمزمه محبت می‌تواند اشکال مختلفی داشته باشد؛ شاید یک معلم به بهانه فوتبالی رفاقت را با دانش‌آموزان شروع کند؛ دیگری به روش خودش. اما این روزها نوع کار خانم مریم پروانه که معلمی است هنرمند در فضای مجازی دیده شده که نقاشی‌های زیبایی برای دانش‌آموزان می‌کشد. گاهی خود مشارکت خود بچه‌ها را در کشیدن این آثار جلب می‌کند. این معلم سبزواری که در پایه دوم دبستان صاحب‌الزمان (عج) تدریس می‌کند جوری روی تخته نقاشی می‌کشد انگار نه انگار زحمت چند ساعت و شاید چند روز هاش طی چند لحظه باید پاک شود. موضوعی که باعث حرص خوردن دانش‌آموزانش هم می‌شود. در این پرونده سراغ اورقتیم تا درباره روش تدریس و ارتباطی که با دانش‌آموزان دارد بیشتر بدانیم.

## آموزش حرفه‌ای نقاشی ندیدم

خانم پروانه در معرفی خودش می‌گوید: «در یک خانواده فرهنگی به دنیا آمدم. پدرم فرهنگی بودند و دو خواهر و یک برادرم معلم هستند. در زمینه هنری به هنرهای مختلف علاقه دارم. در هر زمینه‌ای که ورود کردم خدا را شکر باز خورد مثبتی وجود داشته مثلا در زمینه خوشنویسی من شاید ۸ جلسه آموزش رفتن ولی مدرک مبتدی و متوسط را با هم گرفتم و استادم خیلی نظر مثبتی نسبت به کار من داشت. در زمینه نقاشی پنج جلسه بیشتر آموزش

## ماجرای نقاشی با گچ

اما داستان نقاشی با گچ خانم پروانه هم جالب است: «من از بچگی کلا نقاشی را دوست داشتم ولی نقاشی با گچ را سال ۹۹ شروع کردم. برای درس علوم، محبتی در مورد نور بود، آمدم یک چشم و چندتا تصاویر را روی تخته کشیدم و دانش‌آموزان خیلی دوست داشتند؛ ولی پرسنل مدرسه گفتند جالب نیست. حالا نمی‌دانم شاید چون با گچ سفید بود گفتند زیاد جالب نیست؛ منم با خودم گفتم شاید واقعا جالب نیست و ادامه ندادم. البته من برای بچه‌ها در همان سال نقاشی می‌کردم ولی خیلی جزئی. چون دیدم باز خورد مثبت



## نقاشی در نقش جایزه نمره خوب

جالب‌ترین بخش ماجرا این است که باز خورد بچه‌ها به نقاشی‌های خانم پروانه چیست؟ «در مورد ارتباط با دانش‌آموزان و نقاشی در همان سال ۱۴۰۰، یک دانش‌آموز دیرآموز داشتم، این دانش‌آموز استرس خیلی بالایی داشت؛ من کلا ارتباطم با دانش‌آموزان فراتر از ارتباط معلم شاگردی است. نمی‌گویم خیلی آدم خاصی هستم ولی کلا بچه‌ها را دوست دارم. کم کم با این دانش‌آموز دوست شدم. این دانش‌آموز در درس املا و ریاضی خیلی مشکل داشت. املایش را که تصحیح می‌کردم دور کلماتی که صحیح نوشته بود دایره می‌کشیدم تا ایجاد انگیزه شود. یک بار ازش پرسیدم حالا که در املا پیشرفت کردی دوست داری من چه کاری برایت انجام بدهم؟ گفت: دوست دارم تصویر مرد عنکبوتی را برام نقاشی کنی. منم به قول عمل کردم و این کار را انجام دادم؛ ولی این قدر شوق و ذوق داشت واقعا انگار دنیا را به این دانش‌آموز دادم.»